

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

برگردان از: حمید محوی

۰۵ مارچ ۲۰۱۵

عربستان سعودی :

مرد جوانی به دلیل پاره کردن قرآن به قطع گردن محکوم شد



در عربستان سعودی، مقامات با امور مذهبی شوخی ندارند. محکومیت ها به دلیل خروج از دین و یا اعلام رسمی نفی دین بسیار است.

یک ویدئو، سپس محکومیت:

دستگاه قضائی سعودی اخیراً مرد جوان ۲۰ ساله ای را به قطع گردن محکوم کرد. این مرد جوان به اتهام پاره کردن قرآن و کوبیدن پاشنه کفش روی آن به مرگ محکوم شد. این گزارش در برخی رسانه های بین المللی منتشر شد. این مورد اخیر در عربستان سعودی یک رویداد منحصر به فرد نیست.

لینک منبع :

http://www.huffpostmaghreb.com/2015/02/26/arabie-saoudite-decapitation_n_6759122.html?utm_hp_ref=maghreb

پی نوشت مترجم:

در ایران نیز ما با مشکل تقریباً مشابهی روبه رو هستیم. برای اطلاعات بیشتر باید به لینک زیر مراجعه کنیم تا به سرنوشت افراد منتقد به دین و نافی وجود خدا پی ببریم: سایت پایگاه قرآن پرستان. «حد مجازات کافران و مرتدان در قرآن کریم و اعمال آن در قانون احکام جمهوری اسلامی».

<http://www.porsemanequran.com/node/23377>

با این وجود سال گذشته در ترکیه انجمنی به نام خداناباوران با ۱۱ بنیانگذار و ۹۰ عضو رسمی ایجاد شد (اپریل ۲۰۱۴)

<http://www.atheistalliance.org/regional-reports/2014-04-05-21-04-18/648-2014-04-23-16-54-29>

در گذشته، در کشور ما ایران و یا در کشورهای دیگری که تحت سلطه دستگاہ و ایدئولوژی اسلامی به سر می‌برند، به دلایل متعدد، احتمالاً به دلیل بی‌سوادگی گسترده، نبود رسانه‌ها... نقد دین مطرح نبود. ولی با گسترش سواد آموزی حتی در جوامع اسلامی و با اختراع رسانه‌های نوین در دوران معاصر، این وضعیت کاملاً متحول شده است. و با وجود تمام دستگاہ‌های کنترول و طبقاتی شدن امر آموزش و فن‌آوری به ویژه در دوران لیبرالیسم و بازار آزاد جهانی، انتشار مطالب تا حدودی از انحصار مطلق طبقاتی که در دوران پیشا انترنت وجود داشت خارج شده است و بر همین اساس، نوشته‌ها و واکنش‌های حسی و احتمالاً نوروتیک افراد خیلی به سرعت می‌تواند در سراسر جهان منتشر گردد. چنین واقعیتی را در مورد رسانه‌های نوین در واقع می‌توانیم روی دوم سکه پیشرفت بدانیم، زیرا نویسنده و کاربر انترنت به محض این که چیزی می‌نویسد و یا تصویری منتشر می‌کند دیگر تسلطی روی ارسال خود ندارد و پیغام او به یک عنصر الکترونیک مستقل و خودکار تبدیل می‌شود.

واکنش‌های حسی در وضعیت طبیعی می‌تواند آبی و فانی باشد، ولی از این پس با ابزار کمپیوتری و انترنت این امکان «نامطلوب» به وجود آمده که در اشکال پیغام الکترونیک به حالت تثبیت درآید و علی‌رغم میل مابعدی کاربرد — که در طول زمان تحول یافته — ادامه یابد. روشن است که قوانین خدشه‌ناپذیر مذهبی به سختی می‌تواند با چنین تحولی و خاصه با شناخت نوین انسان در مورد واکنش‌های انسانی سازگار باشد. البته چنین موردی خاص دین به عنوان یکی از اقطاب خرد گریز نیست، نظام سرمایه‌داری نیز به شکل گسترده‌گرچه به شناخت میدان می‌دهد، ولی چنین سازشی با علم و شناخت و فن‌آوری صرفاً جنبه اقتصادی دارد و تا جایی پیش می‌رود که منافع طبقاتی به مخاطره نیفتد. زیرا به قول هاینر مولر نویسنده فقید المانی «نظام سرمایه‌داری برای آگاهی تا زمانی که به همبرگر تبدیل نشود پیش‌پیشی ارزش ندارد».

اما موضوع پاره کردن قرآن و یا توهین به مقدسات، یک وجهه تقریباً ناشناخته نیز دارد، و آن هم این است که چنین واکنش‌های خشونت‌آمیزی نسبت به اشیای مقدس و یا نمادهای قدرت نزد فرد الزاماً توهین به مقدسات نیست، بلکه از میل طبیعی خصوصاً نزد جوانان برای رویارویی با قدرت و آزمون خویشتن در مقایسه با قدرت منشأ می‌گیرد و حاکی از تمنای استقلال باطنی در فرد می‌باشد.

علاوه بر این چنین واکنش‌های خشونت‌باری را می‌توانیم به عنوان بازتاب و یا محصول ممنوعیت نقد دین بدانیم. وقتی دین و احکام و قوانین دینی (با تمام تناقضات موجود در کتاب‌های آسمانی به انضمام قرآن، که به نحو دیگری موجب تعابیر گوناگون می‌گردد، و وقتی گزینش و تعبیر خاصی با تکیه به قدرت از سوی فرد یا گروهی ذینفع تثبیت و تحمیل می‌گردد، با تعابیر احتمالی دیگر نزد افراد در تضاد قرار گرفته و موجب حتی اختلال روانی و واکنش‌های بیماری‌زای احتمالی می‌گردد...) جایی برای بحث و مذاکره و پژوهش باقی نمی‌گذارد، به عبارت دیگر وقتی

دین والاگرایی را نزد فرد محکوم می کند، در این صورت کار به خشونت می انجامد. به عبارت دیگر ساخت و ساز دین با سنت های خدشه ناپذیر خود به عامل محرک و تحریک کننده این واکنش های خشونت بار تبدیل می شود. واکنش خشونت بار حتی می تواند، به شکل معکوس عمل کند، یعنی در تأیید دین و به عنوان عامل تضمین کننده حقانیت این یا آن آیت مقدس مورد بهره برداری دستگاه دین و قدرت حاکم قرار گیرد. می تواند به عنوان اسلام افراطی تجلی کند که از سوی دیگر می بینیم چگونه آلت دست سیاست های امپریالیستی و وال استریتی می شود. علت این کنش و واکنش های بیماری زا، به همان قانون متناقض و بی اعتبار و به [پدر بی اعتبار] باز می گردد. پدر بی اعتبار، یعنی دستگاه دین و قدرت که برای توجیه هر حرفی و هر ادعائی به جز صادر کردن حکم مرگ برای منتقدان خود هیچ راه کار دیگری ندارد. به شکلی که میشل اونفره Michel Onfray فیلسوف معاصر فرانسوی تشریح می کند : دستگاه های مذهبی همیشه دفاترشان را با ایجاد گروه های کوماندوئی اداره کرده اند.

گاهنامه هنر و مبارزه

۳ مارچ ۲۰۱۵

گزارشی در باب اسلام در جهان

AL HUFFINGTON POST